

روایت هفته‌نامه پرورش از محاكمه مطبوعاتی مؤیدالاسلام مدیر هفته‌نامه جبل‌المتین (۱۳۸۱ ق)

م - طاری

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل و موضوعاتی که در روند فعالیت‌های مطبوعاتی در ایران طی نزدیک به دو قرن اخیر، همواره مطرح بوده، محاکمه و دادگاهی است که به اتهامات مطبوعاتی رسیدگی می‌کند. طی دهه‌های اخیر و حتی از زمان نگارش اصل ۷۹ متمم قانون اساسی در مورد "انجام محاکمات مطبوعاتی در دادگاه با حضور هیأت منصفه"، (سال ۱۳۲۵ قمری - ۱۲۸۶ شمسی) علیرغم وجود پشتوانه قانونی، باز هم این موضوع همواره مورد بحث و منازعه (چه در مرحله قانون گذاری و چه در مرحله اجرا) بوده است.

در هنگام بررسی مطبوعات فارسی زبان مصر، با نمونه‌ای بسیار جالب از یک محاکمه مطبوعاتی آشنا شدیم. موضوع محاکمه شکایت «ویس» کنسول ایران در بمبئی از سیدجلال الدین حسینی مؤیدالاسلام مدیر هفته نامه جبل‌المتین کلکته در سال ۱۳۱۸ قمری است. محاکمه در دادگاه انگلیسی شهر بمبئی انجام شد و به دلیل این که هر دو طرف شاکی و مشتاکای ایران بوده و هفته نامه جبل‌المتین نیز یک جریده ایرانی محسوب می‌شود، لذا



این مورد را احتمالاً می‌توان به عنوان اولین محاکمه مطبوعاتی در بین مطبوعات ایرانی (اعم از داخل و خارج) محسوب کرد.

موضوع از آن جایی آغاز می‌شود که در یکی از شماره‌های رمضان سال ۱۳۱۷ قمری حبل‌المتین کلکته، یادداشت توهین‌آمیزی نسبت به «کاوس جی‌ویس» قنصل ایران در بمبئی چاپ شد. متن یادداشت مذکور به این شرح است:

حبل‌المتین:

واقعاً چه قدر ضدیت دارد قنصل گری الیاس بیگ قونسل (بیروت) و کاوس جی‌ویس قونسل بمبئی.

بعضی از مردمان بی‌خبر به اداره حبل‌المتین تهمت صحاف نویسی می‌زنند ولی اطلاع ندارند که اداره تا جایی که امکان دارد مطالب واضح نمی‌نویسند. مثلاً کاوس جی‌ویس قونسل بمبئی ابدأ شرف و ناموس این عده را در بندری مثل بمبئی که رقبا منتظرند مأمور ایران پای خود را کج گذارده و هزار گونه نامی به روی دولت‌ها گذارند، این مرد نجیب الاصل به قدری بی‌ناموسی بار آورده که از هیأت تحریر بیرون است. البته اجزاء اداره حبل‌المتین را که منادی ترقیات وطن و هوادار ملت و خیرخواه دولت‌اند، این گونه افعال و کردار که باعث بربادی شرف و ناموس دولت متبوعه علیه اوست، ناگوار است ولی با این که قبایح اعمال او را از دیر زمانی است مطلعم، محض احترام دولت خویش، در اخبار اظهار نمی‌کردیم که در خارجه تف بر بالای است، و به تدابیر ذیل در زدودن این بدنامی سعی خود را نمودیم چون اثر نبخشید، مجبوراً اشاره به قبایح اعمال او می‌کنم و هم‌چنین در سایر موارد اگر اشاره به قبایح اعمال یکی از مأمورین دولت می‌شود، قبل از وقت تدارک کرده، چون مؤثر نیافتاد، مجبور شده‌ایم. تدابیری که در این ماده تاکنون نموده‌ایم.

اولاً: از بدو ورود جناب کاشف السلطنه حرکات ناشایست که در غیاب جناب محتشم السلطنه معاون کل وزارت خارجه که سابق جنرال قنصل بمبئی بودند از او بروز گردیده بود، در چند خط اطلاع دادیم.

دوم: سال گذشته وقتی که به جهت امورات شخصی به بمبئی رفتیم به جنرال قنصل موصوف حضوراً نیز از اعمال شنیعه او که باعث بدنامی دولت شده، بیان نموده و محض



ضوابط اخبار جلال التین

۱- هر روز پنجشنبه و یکشنبه و چهارشنبه
 ۲- در تمام شمارهها در هر روز از تاریخ و روز
 ۳- از هر یک یک ورقه است و در هر ورقه یک خبر
 ۴- قیمت آن یک ریال است و در صورت پیش خرید
 ۵- قیمت آن کمتر خواهد بود و در هر شماره یک
 ۶- این اخبار را در هر شماره یک ورقه است و در هر
 ۷- ورقه یک خبر است و در هر ورقه یک خبر



۸- این اخبار را در هر شماره یک ورقه است و در هر
 ۹- ورقه یک خبر است و در هر ورقه یک خبر
 ۱۰- این اخبار را در هر شماره یک ورقه است و در هر
 ۱۱- ورقه یک خبر است و در هر ورقه یک خبر
 ۱۲- این اخبار را در هر شماره یک ورقه است و در هر
 ۱۳- ورقه یک خبر است و در هر ورقه یک خبر

جلال التین جلد دوم شماره ۱۳۱۲

مراسلات و کارهای متعلقه او را باید بر و مدیر جلال الدین کسینی الطهرانی انجام داد

بجز این که در هر شماره یک ورقه است و در هر ورقه یک خبر است و در هر ورقه یک خبر

اشتیارات و اعلانات فی مطبعی جلال التین

یک سال	شش ماه	سه ماه	یک ماه
۱۰۰	۵۰	۳۰	۱۰
۲۰۰	۱۰۰	۶۰	۲۰
۳۰۰	۱۵۰	۹۰	۳۰
۴۰۰	۲۰۰	۱۲۰	۴۰
۵۰۰	۲۵۰	۱۵۰	۵۰

شرح مطالبه

ایران و افغانستان	قران	قران	قران	قران
هند و برمه	دو روز	چهار روز	هفت روز	ده روز
مراکش و آلبانی	فراغت	فراغت	فراغت	فراغت
مناقب عثمانی و رومین	جمیدی	جمیدی	جمیدی	جمیدی
ممالک روسیه و قفقاز	اسات	اسات	اسات	اسات

اعلان

مطالعین المانین و قابل الذم زبان بیعت تعلیم و آموختن لسان عربی
 و ادب و کلمه نوی از معرفت اداره جلال التین در شهاب میشود خواست
 در اوج دادار که گوره باید و نیز استخوانند و کجین و اقتضای او باید
 ایران بطور کفایت و نهایت مفاخرت و غیره نوی تا آنست که ایسی
 می نماید حق استی فصدی دور و پیر که آنست که می شود و ادب
 و کلمه نوی و امر که و ایران و او بار سالی است .

یک شماره اصل آید به وقت قبل آید که نشسته که بر زبان شرح مبدل
 عوام را خواند این در امکان و در ایران ملک در سسی و در بیعت خود خواند

طبع کتب مطبع جلال التین

خطوط چندی از فارسی و لغت و سایر کتب مطبوعه مطبع جلال التین در بیعت
 بیعت و این نوع متفکری که در مطبع جلال التین در بیعت کتب مطبوعه
 بطبع و نشر و بیعت مطبوعه و کجین و در قند که قابل باشد و این کتابها
 بر جرم نماید و این کتابها مطبوعه جلال التین در بیعت خود خواند



خیرخواهی دولت خود، دفع او را از اعظم وظایف ایشان گفتم.

سوم: محض تصدیق بعضی خطوط او که به دست اجزای اداره رسیده بود و دال بر بی‌ناموسی او بود، به ایشان پیشی شد.

چهارم: بعضی از رجال بی‌غرض نیز که واقف از کردار زشت او بودند، در لزوم دفع آن، به جناب کاشف السلطنه اظهار داشتند.

پنجم: چون جناب کاشف السلطنه به کلکته آمد، مجدداً حضوراً تاکید اکید در دفع این بد نامی از دولت نمودیم، تعجب است که تاکنون این همه خیرخواهی‌های ما و دیگران حمل به تصدیق جنرال قونسول نیفتاد.

چون از وظایف اخبارات است که مرکز کل را از حرکات این گونه مأمورین اطلاع بخشند، لهذا با کمال خیرخواهی خدمت جناب جنرال قونسول عرض می‌نمائیم که زیاده برین به بدنامی دولت متبوعه خود رضا ندهند و بیش از این در دفع این بد نام کننده نکونامی، چند تسامح نوزند، ورنه ما مجبور خواهیم شد که به اخبار صراحتاً به قیابح اعمال او اشاره نموده و مکتوباً نیز به وزارت جلیله خارجه راپورت نمائیم. واضح است که در این صورت بد نامی شخص جنرال قونسول که تمام قونسولات هندوستان تحت اداره ایشان است، خواهد گردید.

متعاقب چاپ و یادداشت فوق در حبل‌المتین، کاوس جی، از مدیر آن، سیدجلال الدین مؤیدالاسلام به دادگاه شکایت کرده و ادعای شرف و غرامت نمود. به نظر می‌رسد جلسات دادگاه محاکمه مؤیدالاسلام از اوایل ربیع الاول ۱۳۱۸ ق (برابر با ژوئیه ۱۹۰۰) در شهر بمبئی تشکیل شد. خبرنگار مخصوص هفته نامه پرورش در آن شهر، گزارش ماقوع را در روز ۷ ربیع‌الثانی برای اداره پرورش در قاهره ارسال می‌کند. در گزارش نخستین جلسه دادگاه، می‌خوانیم:

شرحی دو هفته قبل از دعوا گرفتن کاوس جی ویس قونسول دولت علیه ایران به جناب آقای مؤیدالاسلام مدیر حبل‌المتین و احضار شدن ایشان به بمبئی نگاشتیم و وعده دادم که پس از فصل دعوا، تفصیل را خواهیم نوشت. پس از این که سه روز متوالی در محکمه حاضر شده و گفتگو نمودند، نتیجه باز به تأخیر افتاد، تا روز بیست و دوم ربیع الاول که معلوم شد کاوس جی دعوا را برده و به ثبوت رسانیده است که بدگویی‌های



حبل‌المتین از روی خیال بوده و اصلیت ندارد.

جناب مؤیدالاسلام به محکمه ابراز داشت که در کلکته شاهد در ثبوت مطالب مندرجه در روزنامه دارند. [بنابراین] مقرر دارند که این دعوا در محکمه کلکته دیده شود. محکمه این حرف را نشنیده و گفتند شاهد را از کلکته حاضر می‌کنیم، ولی باید هزار و پانصد روپیه برای مخارج ایاب و ذهاب آن در کورت، بسپارید تا احضارنامه صادر کرده و روانه داریم.

جناب معزی الیه جواب دادند که من فقیرم و قدرت این که در این جا پولی بدهم، ندارم. حال که ممکن نیست که دعوا در کلکته رؤیت شود مستدعی هستم که اجازه دهند تا خودم به کلکته رفته هم شاهد و هم مخارج بیاورم.

حکومت به این خواهش رضایت داده و جناب معزی‌الیه شب بیست و سوم ماه گذشته [ربیع‌الاول] به طرف کلکته حرکت فرمودند و شاید تا چهاردهم ماه اکتبر [۲۰ جمادی الثانی ۱۳۱۸ ق] برای اتمام قضیه حاضر بشوند. خیلی کار به ایشان سخت شده، خداوند عاقبتش را محمود کند.

و نیز جناب معزی‌الیه در محکمه ابراز داشته بودند که یکی از شاهد[های] من جناب کاشف‌السلطنه جنرال قونسول است. در این بین‌ها، کاشف‌السلطنه معزول شده و چون این مطلب را می‌شنود بدون خیر، حرکت به ایران می‌کند و از حاضر شدن در محکمه خلاصی حاصل می‌نمایند. معزولی آن، سبب خوشبختی آن شده و الا برای آن هم دردسر زیاد داشت.

نتیجه نهایی محاکمه مؤیدالاسلام، در گزارش چاپ شده در هفته نامه پرورش، آمده است. بر این اساس: "شهادت، دست بمبئی و مندرجات (تایمس آف ایندیا) در این هفته، خیلی خاطر ما را افسرده و محزون کرد و ما محض اطلاع، آن‌چه روزنامه (تایمس آف ایندیا) در این باب نوشته، ترجمه و ذیلاً می‌نگاریم:

منحصراً محکمه عدالت در روز پنج شنبه نهم این ماه [مارس ۱۹۰۱ برابر با ۱۸ ذی قعدة ۱۳۱۸ قمری] بر حقانیت کاوس جی و بطلان دعاوی جلال‌الدین حسینی مؤیدالاسلام و سه ماه حبس ایشان در حبس خانه عموم و اعطای یک هزار روپیه به رسم تعویض حکم داد و ضمناً در این حکم شرط شد که اگر متهم نقداً هزار روپیه را ندهد



شش ماه بر مدت حبس او افزوده بشود که من حیث المجموع نه ماه در محبس بماند و روز پنج شنبه چهاردهم مشارالیه را در «کامن پریسن» (حبس خانه عموم) محبوس نموده‌اند و از وضعی که روزنامه تایمس نوشته بود، دعوا دیگر استیناف نشود. حکم صادره از سوی دادگاه، به شرح زیر است:

گزارش مذاکرات دادگاه

به نقل از روزنامه تایمس اف ایندیا

قضیه ویس قونسول - گناه متهم ثابت شد.

دیروز بعدازظهر مستر جی ساندر اسلاتر قاضی القضاة، حکم قضیه اتهامیه که در آن کاوس جی رستم جی، ویس قونسول سابق ایران در بمبئی بر ضد جلال‌الدین حسینی اقامه دعوا کرده بود، صادر نمود، به دعوت این که مشارالیه در روزنامه هفتگی فارسی خود که در کلکته به طبع می‌رسد از کاوس جی بدگویی کرده است.

وکیل دعوی از طرف مدعی یعنی کاوس جی «مستراسماتن» و از طرف متهم یا مدعی علیه یعنی (مدیر حبیل‌المتین) «و. و. هاملتن» با دستیاری میرزا حسن خان بود. آرتیکل متهم:

قاضی گفت: آرتیکل مزبور به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۰۰ در حبیل‌المتین درج شد. در این آرتیکل مشارالیه مستر کاوس جی را به بد کرداری و افعال خیانت، متهم می‌گرداند و فرض از نگارش آن فقط این بود که وی را از شغل در جنرالیه معزول دارد. متهم یا مدعی علیه از خویش دفاع کرده و در حالت دفاع به بعضی از اتهامات، مدعی را متهم کرد که تفصیل آن به موجب ذیل نگارش می‌شود:

(اول): در کلکته مدعی یعنی کاوس جی همه جهد کرد که وجهی به طریق رشوه از مستر (ر.د. متا) اخذ نماید و در مقابل از برای او مأموریت قونسولگری کلکته را بگیرد.

(دوم): مدعی می‌خواسته در کلکته وجهی از خانواده (تاگور) به التماس بگیرد.

(سوم): در جوهری که در کلکته به طریق امانت به او داده بودند، خیانت کرده.

(چهارم): در بمبئی یک قالی زیرورور کرده است.

(پنجم): یک پرده نقاشی که مال جنرال قونسولگری [ایران در] بمبئی بوده، دزدیده

است.



(ششم): خود را در بمبئی به عموم مردم و سایر جاها چنین نموده است که حامل نشان شیر و خورشید است در صورتی که حامل آن نشان نبوده است. متهم از این مقوله اتهام آورده بود که حمل آن عاقبت بر دوش خودش افتاد.

شاهد و خاتمه آن: در اتهام اول فقط شاهی که تصدیق قول متهم بنماید فقط مستر «رد - متا» بود. مشارالیه اظهار داشت که مدعی یعنی کاوس جی مأموریت قونسولگری کلکته را به او ارائه نمود به شرط این که پنج هزار الی شش هزار روپیه برای مصرف این کار، به مشارالیه بدهد تا این مبلغ برای گرفتن مأموریت به طریقی که کاوس جی می داند، تقسیم شود.

مستر کاوس جی قول «متا» را رد کرده و اظهار داشت که مستر «متا» همواره آرزومند بود که پسر عموی من (میر حبیب هوی) را از قونسولگری کلکته معزول کند و برای این کار استعانت به من برد و من قبول نکردم و عاقبت کار ما به عداوت و خصومت کشید. آن طرف مستر «متا» خود مأموریت حاصل نمود و گفت که هیچ پول برای اخذ آن نداده است.

چیزی که در این میانه ظاهر شد این بود که هنگامی که «متا» می خواست این مأموریت را بگیرد و جنرال قونسول در کلکته بود یا قبل از آن که به جنرال قونسول معرفی شود یک "فیکتوریا فیوتن" (نوعی از کالسکه) تقدیم جنرال قونسول کرده بود و گفت که این به ارائه کاوس جی بود و به علاوه مستر «متا» اظهار داشت که در آن زمان که این مقدمه در میان بود میانه من با «میر حبیب هوی» صفایی نداشت.

پس از گفتگوهای زیاد محکمه شهادت مستر «متا» را در این قضیه همه رد کرد و شهادت کاوس جی را مقبول شمرد و دانست که متهم در آنچه نسبت به مدعی در این ماده داده، به خطا بوده است و هم متهم نتوانست ثابت کند که وجهی مدعی به التماس از «راجه سورا درونات تاگور» گرفته است.

اما در خصوص خیانت در امانت کلکته وزیرورو کردن قالی، بر محکمه ثابت شد که همه افتراء بوده و هم دزدیدن پرده نقاشی، صحیح نبوده است و جنرال قونسول سابق، خودش پرده مزبور را به کاوس جی تعارف داده بود.

نشان شیر و خورشید: محکمه از مدعی باور کرد که نشان شیر و خورشید به موجب



نص فرمان شاهنشاه ایران به او اعطاء شده است و فرمان به توسط جنرال قونسول صادر گردیده و در آن غل و غشی نبوده است. به علاوه ویس قونسول ممکن نبود که نشان ساختگی درست کند در صورتی که در مجالس رسمی که جنرال قونسول و کلیه محترمین ایرانی که همه از امورات ایران اطلاع کامل دارند، حضور داشتند، وی نشان می‌زد و اگر نشان ساختگی می‌بود، باید یکی معترض او شود؛ یا ویس قونسول چنین جرئی داشته باشد که نشانی را که رسماً دارا نیست، حمل نماید. عاقبت معلوم شد اتهامی که در این خصوص متهم نسبت به او داده بود، خلاف صدق بود.

اثبات و حکم: این دفاع هیچ ظاهر نداشت که قبل از درج و نشر این آرتیکل یا در هنگام نشر آن، متهم به این خیال باشد که در آن چه در خصوص مدعی نشر داده، غور کند و صدق و کذبش را معلوم نماید و نه متهم و نه وکیلش عقل‌شان به این جا می‌رسید که این دعوی منجر به ایتانی این شش اتهام خواهد گردید.

حکم: دعوایی که برضد متهم در محکمه اقامه شده بود، صدقش معلوم گردید و نفس [چاپ] آرتیکل دشمنی مدعی علیه را به مدعی ثابت کرد. مشارالیه پنج فقره در این آرتیکل ذکر کرده که در آن پنج فقره هتک احترام و معزولی مدعی را نموده است و می‌بایستی قبل از این که از این پنج فقره ذکری در روزنامه بکند در خیال خود آن را مقایسه کرده و بعد بنگارد و تنها به همان نشر اکتفا نشد و بلکه زیاده از دوازده ماه گرفتار این دعوی بود که آخرین اتهاماتش در محکمه شنیده شد و مدعی با کمال جرأت همه را جواب داد و مدعی به واسطه آن در نظر محکمه اعتبار تامی حاصل نمود. لیکن بر صاحبان روزنامه لازم است که از این قضیه متنبه شوند و عیب برای اغراض، مردمان بیگناه را متهم نکنند. بنابراین، متهم به سه ماه حبس در حبس خانه عموم محکوم گردید و به اعطای هزار روپیه جریمه مجبور شد که اگر این وجه ندهد باید شش ماه دیگر در محبس بماند و به علاوه جریمه، هفتصد و پنجاه روپیه نیز به مدعی بدهد.

در واکنش به صدور حکم فوق و زندانی شدن سیدجلال‌الدین مؤیدالاسلام، علی محمد خان کاشانی که تا قبل از آن در چند نوبت دعوای قلمی با مؤیدالاسلام داشته و در مورد عملکرد کاشف السلطنه جنرال قونسول ایران در بمبئی، انتقاداتی را در هفته‌نامه پرورش چاپ کرده بود، نوشت:



"مبداء این مسئله از حرکات زشت کاشف السلطنه جنرال قونسول سابق [ایران] در بمبئی برخواست که محض طمع و پیشرفت اغراض شخصی خود، در عزل کاوس جی، وی را در حبس المتین به خیانت به دولت متهم کرد. بیچاره مدیر حبس المتین، مؤیدالاسلام، هیچ در این باب گناهی نداشت جز این که به جزئی رشوت، حیات شرف خویش را در تهلکه انداخت که نتیجه آن آزرده دل دوستان و فرح دشمنانی گردید. معلوم است به کاوس جی هیچ بحث [وارد] نیست که چرا به محکمه شکایت کرد، زیرا انسان شرف نفس خویش دوست دارد و این همه که افراد عموماً و شعب، خصوصاً خود را دچار تهلکه‌های بزرگ می‌کنند برای کسب نام و استحصال شرف است و جنگ دوئل که در عموم فرنگان معمول [می‌باشد] برای مسئله حصول شرف است که خطر آن محتاج به بیان نیست.

کاوس جی در صورتی که به درستی و راستی سالیان دراز در مأموریت خود به دولت ایران خدمت کرده، روا نبود که به اغراض کاشف السلطنه، حبس المتین این گونه او را متهم به خیانت کند. ما از نشر این قضیه هیچ غرضی جز ممیزی میانه حق و باطل نداشتیم و چون از اصل و خیالات فاسد کاشف السلطنه قبل از نشریات حبس المتین مطلع بودیم، از این بابت از حقوق کاوس جی دفاع کردیم و چون مقدمه به دیوان عدالت رفت، شک نداشتیم که فتح و ظفر با کاوس جی خواهد بود. اداره حبس المتین نشر این آرتیکل را در روزنامه پرورش حمل به اغراض شخصی کرده، ردی طویل در یکی از روزنامه‌جات بدون اسم بر مندرجات پرورش نوشت و همه جا ما را مغرض فرض نمود و خیرخواهی ما را، لیکن و بغض تصور فرمود. نصایح ما از برای این بود که به وخامت امروز، مؤیدالاسلام بیچاره گرفتار نشود. چرا انسان باید حرکتی بکند که نتیجه آن سه ماه حبس باشد. در این جا از نواب پرنس سلطان محمدشاه و جناب میرزا علی محمد خان قونسول دولت علیه در بمبئی و سایر ایرانیان خواهش می‌کنیم که از کاوس جی خواهش فرمائید که بالمره از این مدت مدید حبس صرف‌نظر نماید و گویا به موجب قانون، حق دارد که مداخله در آن نماید یا به مدت تخفیف دهد.

مقصود این بود که کاوس جی حقانیت خویش در این عمل بنماید و آن هم ظاهر و باهر شد و همه کس دانست. بیش از این در هتک احترام و ایدای مدیر حبس المتین



کوشیدن، صحیح نیست و خدا را خوش نیاید و از خود سرکار کاوس جی نیز ملتسمیم که اگر محکمه گذشت ایشان را قبول می‌کند، از سر تقصیرات مؤیدالاسلام بگذرند که هم خداوند از ایشان راضی خواهد بود و هم دوستان".

بدین ترتیب مؤید الاسلام به حبس رفت و گزارشی از تخفیف مجازات وی، در دست نیست، لیکن آنچه که مهم می‌نماید این است که علیرغم حبس او، هفته نامه حبل‌المتین کلکته کماکان انتشار می‌یافت؛ و حبس مدیر هفته نامه به معنای تعطیلی اداره هفته نامه نبود.

بدین ترتیب علیرغم تمامی دعاوی فوق (در طول ۱۵ ماه) در انتشار هفته نامه حبل‌المتین هیچگونه وقفه‌ای نیفتاد، حتی به اندازه یک شماره و این موضوع می‌تواند الگوی مناسبی برای نحوه برخورد با جرایم و روزنامه‌ها در شرایط فعلی نیز باشد که در صورت ثبوت خطا و تخلف در یک جریده، افراد مجازات شوند، و نه اینکه خود جریده تعطیل و مجازات شود. ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع:

۱- برای آشنایی با مباحث انجام شده طی یک قرن اخیر ر.ک: اسناد دادگاه‌ها و هیأت‌های منصفه مطبوعاتی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، از مسعود کوهستانی نژاد. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.

۲- ده سال قبل از آن تاریخ، در ایران پخش کنندگان نشریه "قانون" محاکمه و مجازات شدند. لیکن به دلیل این که این جانب "قانون" را در سال ۱۳۰۸ قمری یک "روزنامه" و "جریده" به معنای متعارف و حقوقی آن نشناخته و آن را تنها یک "لوح" و "اعلامیه مفصل" می‌دانم، لذا محاکمه توزیع کنندگان آن را نیز محاکمه مطبوعاتی تلقی نمی‌کنم.

۳- هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته، ش ۱۳، ص ۷، ۲۳ رمضان ۱۳۱۷ ق، صص ۶۰۵.

۴- این گزارش در هفته‌نامه پرورش چاپ نشد.

۵- هفته‌نامه پرورش، ش ۱۱، ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۶- همان، ش ۳۳، ۴ ذی‌الحجه ۱۳۱۸ ق، ص ۶.

۷- در اصل کلمه نامفهوم است.

۸- در اصل: "حک".

۹- همان، صص ۷-۹.

در ادامه حکم فوق و در حاشیه آن نوشته شد:

"دوستی بعضی ایرانیان: در هنگام اصدار حکم بعضی از حضرات ایرانی‌ها در محکمه حاضر بوده‌اند و چون حکم صادر شده فوراً به کاوس جی و وکیلش نزدیک شده و ایشان را با صمیم قلب تبریک و تهنیت گفته بودند که الحمدلله پس از زحمات، حق ظاهر گردید و باطل مغلوب شد."

ر.ک. همان

۱۰- همان، صص ۶ و ۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی